



## امروز شما



**مهر**

این تردیدهای توست که اراده‌ات را ضعیف کرده و باعث می‌شود تا فرصتهای مهمی را از دست بدهی. پس این تردیدها را باید از خودت دور کنی.

**آبان**

بعضی از مشکلات امروز تو نتیجه خطاهای گذشته است. زا قدیم گفته‌اند؟ تو جمع شده‌اند اما تو در میان آنها به جستجوی شخص ایده‌آلت هستی. این جستجو را باید ادامه داد تا به نتیجه مطلوب رسید.

**آذر**

باید نسبت به آینده‌ات مطمئن باشی. لزومی ندارد که همیشه دیگران این تضمین را به تو بدهند که همه چیز درست و روبراه است! وقتی خودت در مورد انتخابت یقین داشته باشی و با خود صادقانه رفتار کنی، کافی است و حالا این تو هستی که به خودت روحیه می‌دهی.

**دی**

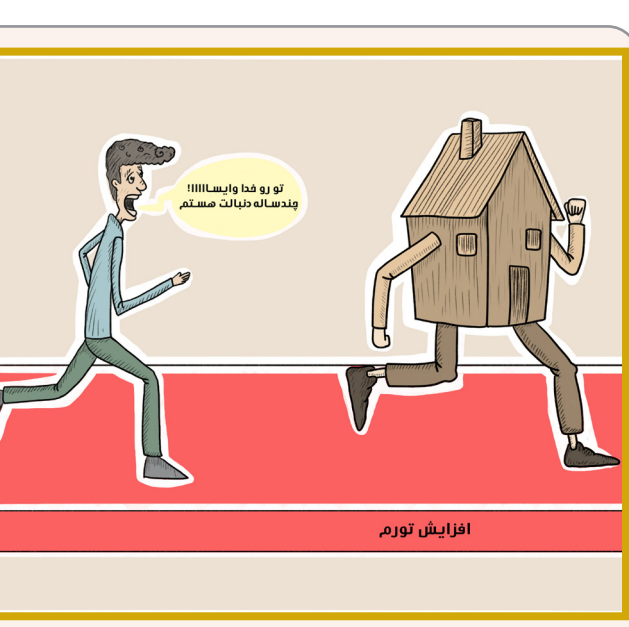
باید زمان بیشتری را صرف بازنگری اعمال و رفتار خود در گذشته کنی. باید تجربه‌های گذشته‌ات را به دقت مرور کنی تا دوباره دچار همان مشکلات نشوی و انتخاب درستی داشته باشی.

**بهمن**

فرصت‌ها را نباید از دست داد. کسی که اول فرصت‌هایش را از دست می‌دهد و بعد برای از دست دادنش غصه می‌خورد، دچار چهل مرکب شده. اگر تو از این گروه هستی برایت دعا می‌کنم تا حالت خوب بشه!

**اسفند**

سعی کن از بعضی چنجال‌ها پرهیز کنی. چه لزومی دارد خود را درگیر مسائل و جریاناتی کنی که جز دردسر و ناراحتی سودی برایت ندارد.



## طلوع روزنامه فرهنگی / سیاسی / اجتماعی / ورزشی

### پرونده کاروانسراهای ایران ثبت جهانی شد

بیشترین کاروانسرا در استان اصفهان قرار دارد



پرونده کاروانسراهای ایران در حالی به‌عنوان بیست و هفتمین اثر تاریخی و طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده که از میان ۵۴ کاروانسرای این پرونده، تعداد ۹ کاروانسرا در استان اصفهان قرار دارد.

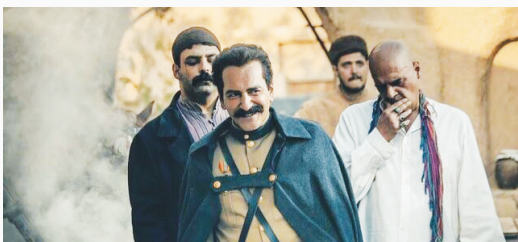
به گزارش ایانا، در چهل و پنجمین نشست کمیته میراث جهانی سازمان علمی و تحقیقاتی ملل متحد (یونسکو) که در شهر ریاض پایتخت عربستان برگزار شد، پرونده ۵۴ کاروانسراهای ایران نیز تأیید شد و به‌عنوان بیست و هفتمین اثر تاریخی و طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.

از میان ۵۴ کاروانسرای این پرونده، بیشترین تعداد کاروانسراهای این پرونده شامل کاروانسراهای گز، مرنجاب، نیستانک، کوهپایه، امین آباد، گبر آباد، مهیار، نوشیروان و شیخعلی خان و در مجموع، تعداد ۹ کاروانسرا در استان اصفهان قرار دارد.

پیش از این، چغازنبیل، تخت جمشید، میدان نقش جهان، اصفهان، تخت سلیمان، ارگ بم، پاسارگاد، گنبد سلطانیه، سنگ‌نوشته بیستون،

### تهیه‌کننده «رحیل» از ساخت فصل دوم این سریال خبر داد؛ اتفاقات غیرمنتظره در «رحیل ۲»

انتخاب بازیگر جایگزین حسام محمودی با هوش مصنوعی



تهیه‌کننده «رحیل» از ساخت فصل دوم این سریال خبر داد و اعلام کرد این قسمت‌ها در ایام فاطمیه پخش خواهد شد.

به گفته رامین عباسی‌زاده، گروه سازنده در حال حاضر در لوکیشن شهرک سینمایی غزالی مستقر هستند و فیلمبرداری حدوداً تا اواسط ماه مهر ادامه خواهد داشت.

تهیه‌کننده و طراح سریال «رحیل» با بیان این مطلب، به ایستا گفت: برای آنکه سریال بتواند در کنار نماهای داخلی، نماهای بیرونی متنوعی داشته باشد، سعی کردیم نماهای بیرونی را تکه تکه کنیم و منطبق بر هر نما، لوکیشن مربوطه را پیدا کنیم؛ لوکیشن‌هایی که از نقاط مختلف تهران و حومه‌اش تا سمت گچسار در دل کوه‌های گچسار و ... را شامل می‌شود.

**داستان فصل دوم در امتداد فصل اول هست/مسیری غیرمنتظره**

عباسی‌زاده درباره خط داستانی فصل دوم «رحیل» بیان کرد: داستان فصل دوم در امتداد فصل اول هست ولی پر از لحظه‌ها و پیچ‌های داستانی غیرمنتظره و شرایط کاراکترهای اصلی سریال یعنی پیتاج و محبا و سرگرد زمان خان، از مسیری می‌رود که واقعا غیرمنتظره است. باید سریال را دید تا درک کرد و اگر بخواهیم بیشتر توضیح دهیم، داستان لو می‌رود.

تهیه‌کننده سریال «رحیل» درباره ترکیب بازیگران فصل دوم گفت: شاکله بازیگران فصل دوم «رحیل» همین بازیگران فصل اول هستند ولی ممکن است نقش‌های خردی به کار جهت تکمیل داستانک‌های سریال اضافه شود.

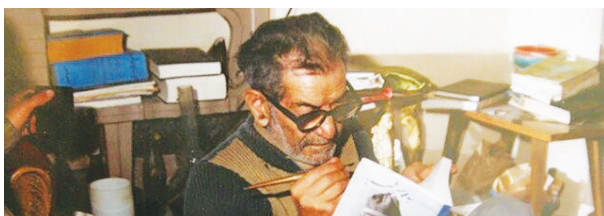
وی تأکید کرد: البته چون بین دو فصل وقفه می‌افتد حتماً قبل از پخش فصل دوم، چکیده‌ای از فصل اول را پخش می‌کنیم و سپس فصل دوم را شروع خواهیم کرد.

**فصل اول داستان‌پردازی‌ها در دوره قاجار**

این تهیه‌کننده درباره دلیل تمایل سازندگان سریال‌ها به روایت قصه در دوره قاجار هم گفت: واقعیتش آن است که هسته اصلی داستانی سریال «رحیل»، مقطعی در حال گذار است که از اواخر قاجار تا ابتدای پهلوی، جریان دارد. حالا هرچه داستان جلوتر برود، تصاویری تازه از فصل دوم و شروع پهلوی را هم می‌بینیم؛ تصاویری عمدتاً متمرکز بر نقش زنان در آن دوره که اغلب مابه‌ازای تاریخی هم دارند. به جز این در سریال «رحیل» برخلاف سریال‌های مشابه تصویرگری از اجتماع غریب‌داری و ارتباط دربار و مردم هم هست که به نوعی مردم‌شناسی آن دوره کمک می‌کند.



### ترک پارسی‌گوی!



سی‌وپنج سال از کوچ ابدی شهریار می‌گذرد، شاعری که به زبان فارسی می‌گردد و حسین منزوی او را «ترک پارسی‌گوی» می‌خواند.

به گزارش ایستا، بیست‌وهفتمین شهریورماه، سی‌وپنجمین سالروز درگذشت سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار و روز بزرگداشت این شاعر است که در تقویم به نام روز شعر و ادب فارسی نام‌گذاری شده است. شهریار از چهره‌های شاخص ادبیات و شاعر منظومه معروف «حیدر بابایه سلام» است که در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را با خواندن گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان زمان با دیوان خواجه الفتی سخت یافت.

ذوق شاعری سیدمحمدحسین از اوآن کودکی نمایان شد. او در ۱۳ سالگی شعرهایش را با تخلص «بهجت» در مجله «ادب» به چاپ می‌رساند و بعدها با تقال به دیوان حافظ شیرازی، تخلص «شهریار» را برگزید و در نهایت نامش با همین تخلص در تاریخ ادبیات ثبت شد.

حساسیت ادبی‌ام را بیشتر مدیون مادرم هستم. مادرم سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی اشعار بسیار لطیف ترکی و فارسی را به خاطر داشت و وقتی که شعر لطیفی می‌خواند می‌لرزید و اشک می‌ریخت. این بود که علاوه بر وراثت حال و هوای مادرم از کودکی در روح من منعکس شد. در چهار پنج‌سالگی اولین شعری را که من حس کردم و به ذائقه سپردم مادرم خواند که این دو بیت ترکی بود که هنوز در مغز من صدا می‌کند و به نظر من از لطیف‌ترین اشعار دنیاست: «گنتمه ترسا بالاسی منده سناه گلیم/ دامنیندن یاپوشوم منده کیلیسا یه

که بعدها بنده در مصرع دوم تصرف کردم و آن را این طور تغییر دادم: «گنتمه ترسا بالاسی منده سناه گلیم/ قوی دالینجان سورونوم منده کیلیسا یه گلیم». از این موقع خشت اول ذوق ادبی من کار گذاشته شد و این دیوبیت را از چهار پنج‌سالگی حفظ کردم و همیشه می‌خواندم تا به سن هفت‌سالگی رسیدم. در سن هفت‌سالگی کلفتی داشتم به اسم رقیه باجی. شب بود، می‌خواست شام بیاورد. من از آنگوشت بدم می‌آمد، از برنج خوشم می‌آمد. بهش گفتم: «رقیه باجی! باشیمن تاجی/ آتی آت ایته منه وئر کنه» [یعنی: آجی رقیه! تاج سر من، گوشت را بندها جلو سگ، برای من برنج بیاور.]

شهریار پس از تحصیلات مقدماتی خود، دوره متوسطه را در مدرسه‌های متحده و فیوضات به پایان برد و در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و دنباله تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد، تا این که بالاخره در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه طب آن زمان شد، و پس از پنج سال تحصیل در رشته پزشکی یعنی یک سال قبل از دریافت درجه دکترای خویش، دست از ادامه تحصیل کشید و به خراسان رفت. شهزاد دختر او به نقل از پدر گفته که روحیه پدرش با پزشکی و مخصوصاً جراحی سازگار

نموده است: «بعد از هر عمل جراحی که انجام می‌دادم، احساس ضعف می‌کردم و حالم بهم می‌خورد.» البته علت شکست عشقی و ناراحتی می‌خواهد دیگر، بر این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. او پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، به تهران بازگشت. در سال ۱۳۱۳ که شهریار در خراسان بود، پدرش حاج میرآقا خشکنایی که نام‌گذاری شده است. شهریار از چهره‌های شاخص ادبیات و شاعر منظومه معروف «حیدر بابایه سلام» است که در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را با خواندن گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان زمان با دیوان خواجه الفتی سخت یافت.

ذوق شاعری سیدمحمدحسین از اوآن کودکی نمایان شد. او در ۱۳ سالگی شعرهایش را با تخلص «بهجت» در مجله «ادب» به چاپ می‌رساند و بعدها با تقال به دیوان حافظ شیرازی، تخلص «شهریار» را برگزید و در نهایت نامش با همین تخلص در تاریخ ادبیات ثبت شد.

حساسیت ادبی‌ام را بیشتر مدیون مادرم هستم. مادرم سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی اشعار بسیار لطیف ترکی و فارسی را به خاطر داشت و وقتی که شعر لطیفی می‌خواند می‌لرزید و اشک می‌ریخت. این بود که علاوه بر وراثت حال و هوای مادرم از کودکی در روح من منعکس شد. در چهار پنج‌سالگی اولین شعری را که من حس کردم و به ذائقه سپردم مادرم خواند که این دو بیت ترکی بود که هنوز در مغز من صدا می‌کند و به نظر من از لطیف‌ترین اشعار دنیاست: «گنتمه ترسا بالاسی منده سناه گلیم/ دامنیندن یاپوشوم منده کیلیسا یه

که بعدها بنده در مصرع دوم تصرف کردم و آن را این طور تغییر دادم: «گنتمه ترسا بالاسی منده سناه گلیم/ قوی دالینجان سورونوم منده کیلیسا یه گلیم». از این موقع خشت اول ذوق ادبی من کار گذاشته شد و این دیوبیت را از چهار پنج‌سالگی حفظ کردم و همیشه می‌خواندم تا به سن هفت‌سالگی رسیدم. در سن هفت‌سالگی کلفتی داشتم به اسم رقیه باجی. شب بود، می‌خواست شام بیاورد. من از آنگوشت بدم می‌آمد، از برنج خوشم می‌آمد. بهش گفتم: «رقیه باجی! باشیمن تاجی/ آتی آت ایته منه وئر کنه» [یعنی: آجی رقیه! تاج سر من، گوشت را بندها جلو سگ، برای من برنج بیاور.]

شهریار پس از تحصیلات مقدماتی خود، دوره متوسطه را در مدرسه‌های متحده و فیوضات به پایان برد و در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و دنباله تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد، تا این که بالاخره در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه طب آن زمان شد، و پس از پنج سال تحصیل در رشته پزشکی یعنی یک سال قبل از دریافت درجه دکترای خویش، دست از ادامه تحصیل کشید و به خراسان رفت. شهزاد دختر او به نقل از پدر گفته که روحیه پدرش با پزشکی و مخصوصاً جراحی سازگار

### عکس روز:

استراحت مسافری در پیاده‌رو عکس از: خدیجه غضنفری



### کاریکاتور روز:

گرانی خانه کاریکاتور از: مریم محبی

